

## مسئله‌ای به نام شاطر عباس صبحی

دکتر علیرضا فولادی<sup>۱</sup>

### چکیده

شاطر عباس صبحی در میان شاعران دوره قاجاریه وضعیت خاصی دارد. از یک سو شهرت و محبوبیت او بین مردم تا امروز برقرار است و از سوی پژوهندگان، بیشتر شعرهای دیوان منتسب به این شاعر را ضمن مآخذ دیگر یافته‌اند و گاه تا مرز انکار واقعیت شاعری و حتی نفی وجود خارجی وی پیش رفته‌اند. مقاله حاضر می‌کوشد از رهگذر واکاوی در اسناد، نشان دهد که آیا صبحی شاعر بوده است یا نه و آیا در این انتساب‌های غیرصحیح نقش داشته است یا خیر. روش این مقاله، اسنادی-کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی و تاریخی است. براین پایه، یک سند موثق از روزگار جوانی صبحی به نام تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم آورده‌ایم که هم دلایل شهرت و محبوبیت او را نشان داده است و هم شش غزل صحیح‌الانتساب وی را پیش روی ما نهاده است. در ادامه با واکاوی سه عامل احتمالی انتساب شعرهای دیگر شاعران به صبحی، یعنی ناشران اولیه دیوان او، دوستان وی و شاعر، نتیجه گرفته شده است که عامل ناشران تحت تأثیر عامل دوستان، نقش اصلی را در این باره ایفا کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** شعر دوره قاجاریه، شاطر عباس صبحی، نقد تاریخی، تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم.

### مقدمه

حدود یک قرن است که جامعه ادبی ما نسبت به شاطر عباس صبحی (۱۲۵۷-۱۳۱۵ق)، بر سر دوراهی قرار دارد: از یک سو، نام او در شعور جمعی این جامعه، به‌عنوان شاعری خوش‌قریحه نقش بسته است و از سوی دیگر، در دیوان‌های چاپی منتسب به وی، شعرهایی می‌بینیم که کلاً یا جزئاً ضمن آثار شاعران دیگر آمده‌اند. تا امروز، پژوهش‌های نصفه‌ونیمه نیز نتوانسته‌اند راه‌حل رضایت‌بخشی

برای این مسئله بیابند و البته این امر، بی‌علت نیست؛ زیرا نه تنها اسناد نسخه‌شناختی شعرهای شاطر عباس معتبر نبوده‌اند، بلکه همچنین شعرهای غیرصحیح‌الانتساب دیوان صبوحی، نسبت به صحت انتساب همه آنها تردید پدید آورده‌اند. در این میان، گاه اتهام یا تعریض به او و انکار واقعیت شاعری و حتی نفی وجود خارجی وی را هم شاهدیم.

ابراهیم صفائی ملایری، پس از برخورد با سه جزوه چاپ سنگی دیوان صبوحی که بعداً راجع به آنها سخن خواهد رفت، طی یک نوشتار با نشان دادن برخی موارد انتساب غیرصحیح اشعار دیوان صبوحی معتقد است احتمالاً «ناظم و ناشر، هر دو»، در این کار دست داشته‌اند (صفائی ملایری، ۱۳۱۹: ۱۵۵). همچنین محمدمین ریاحی، طی دو نوشتار می‌کوشد بعضی موارد دیگر انتساب غیرصحیح شعرهای آن دیوان را به وی نشان دهد و ضمن این کوشش بر آن می‌رود که «این عمل شنیع» یا از طرف «شاعر» یا از طرف «ناشرین» صورت گرفته است (ریاحی خویی، ۱۳۱۹: ۲۰۲) و نهایتاً می‌افزاید: «روی هم‌رفته، شاطر عباس بر اثر کارهای سازنده دیوان کنونی، شاعری است خیالی که وجود خارجی ندارد» (همان، ۱۳۲۰: ۱۱۶). همین‌طور، کیوان سمیعی ضمن یک نوشتار با عنوان «تسامحات ادبی»، از عامل «برانگیختن حس اعجاب اشخاص و جلب آن به طرف خود» برای خلط انتساب شعرها نام می‌برد که گردآورندگان شعرهای شاعران و همچنین ناشران آنها در این کار نقش دارند و برای نمونه، دیوان «شاطر آقای شاعر» را نام می‌برد (سمیعی، ۱۳۲۴: ۴۸). علی‌اکبر سعیدی سیرجانی نیز طی مقاله‌ای با عنوان «قاری مفلس اصفهانی»، آنجا که بحث صحت یا عدم صحت انتساب قصیده:

مرا دلی ست پریشان ز غصه مالامال چنان که هیچ‌کس نیست واقف احوال  
به حافظ پیش می‌آید، می‌نویسد: «اگر شاطر عباس صبوحی هم می‌خواست، می‌توانست به جای "پریشان ز غصه"، صفت مرکب یا ترکیب مطبوع‌تری بگذارد» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۷: ۹۴). سرانجام، محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب *با چراغ و آینه*، آنجا که از تبلیغات ژورنالیستی احمد شاملو سخن می‌گوید، می‌نویسد: «پنجاه سال شب و روز در وسیع‌ترین نشریه‌های سیاسی و فرهنگی در باره شاطر عباس صبوحی اگر تبلیغ شده بود، حالا نوبل را به اولاد و احفاد شاطر عباس می‌دادند؛ شاملو که جای خود دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۲۶).

باری، مقاله حاضر می‌کوشد از رهگذر واکاوی در اسناد موجود، نشان دهد که آیا شاطر عباس صبوحی، شاعر بوده است یا نه و آیا در انتساب اشعار دیگر شاعران به خود نقش داشته است یا خیر.

### پیشینه پژوهش

دیوان صبوحی تاکنون بارها انتشار یافته است. نخستین چاپ این دیوان، سال ۱۳۰۶ش با گردآوری دو تن از کتاب‌فروشان بازار بین‌الحرمین تهران (صبوحی، ۱۳۰۶) از روی روایات شفاهی به صورت سنگی منتشر شد و شمار شعرهای آن تا سال ۱۳۰۷ش (همان، ۱۳۰۷) طی سه جزوه پیاپی افزونی گرفت و سرانجام، آن ناشران، هر سه جزوه را یکجا منتشر کردند، چنان که سال ۱۳۱۴ش، چهارمین چاپ مجموعه آن‌ها را شاهدیم (همان، ۱۳۱۴). دیوانی که با تجدیدنظر عبرت نائینی انتشار پذیرفت (همان، ۱۳۱۷)، نسبت به جزوه‌های مورد اشاره، چاپ پنجم و رأساً نخستین چاپ سری توسط همان ناشران بوده است. به هر حال، افزون بر چاپ‌های سنگی مذکور (ر.ک: مشار، ۱۳۴۵، ج ۳: ۶۵۹-۶۶۰)، چاپ‌های شناخته دیوان صبوحی عبارتند از:

۱. دیوان شاطر عباس صبوحی رحمه الله علیه (صبوحی، ۱۳۱۷)
۲. دیوان شاطر عباس صبوحی قمی با شرح حال و آثار شاعر (طاهری شهاب، ۱۳۴۲)
۳. دیوان و غزلیات شاطر عباس صبوحی (صبوحی، بی تا، علمی)
۴. دیوان غزلیات شاطر عباس صبوحی (همان، بی تا، رحمانیان)
۵. دیوان شاطر عباس صبوحی (همان، ۱۳۶۲)
۶. دیوان شاطر عباس صبوحی قمی (صبوحی قمی، ۱۳۶۲)
۷. چهار دیوان؛ کفاش خراسانی، شاطر عباس صبوحی، زرگر اصفهانی، فایز دشتستانی (کفاش خراسانی و دیگران، ۱۳۶۳)
۸. دیوان اشعار کفاش خراسانی و شاطر عباس صبوحی (کفاش خراسانی و صبوحی، ۱۳۶۵)
۹. تحقیق در باره زندگانی، احوال، اعمال، افکار، آثار و دیوان کامل اشعار شاطر عباس صبوحی قمی (صبوحی قمی، ۱۳۶۸)
۱۰. دوبیتی‌های فایز دشتستانی همراه با غزلیات شاطر عباس صبوحی (فایز دشتستانی و صبوحی، ۱۳۸۰)

۱۱. دیوان کامل اشعار شاطر عباس صبحی قمی (صبحی قمی، ۱۳۹۱).
- از همان آغاز انتشار چاپ سنگی دیوان منتسب به صبحی، عرضه پنج دسته نوشتار در باره این شاعر فزونی گرفت:
۱. نوشتارهای گزارشی راجع به زندگی و شعر او بر اساس روایات شفاهی، هم در مقدمات دیوان‌های منتسب به وی و هم در نشریات؛
  ۲. نوشتارهای تحقیقی در باره تعیین مآخذ شعرهای دیوان منتسب به او؛
  ۳. نوشتارهای تذکره‌ای راجع به زندگی و شعر وی در تذکره‌های جدید بر اساس دو دسته نوشتار پیشین و احیاناً روایات شفاهی جداگانه؛
  ۴. نوشتارهای فرهنگنامه‌ای در باره احوال و آثار او؛
  ۵. نوشتارهای انتقادی در باره شعر وی.
- از نوشتارهای دسته اول، مقدمه جزوه اول چاپ سنگی دیوان منتسب به صبحی (همان، ۱۳۰۶: ۴-۲)، نوشتار ژورنالیستی «شاطری و شاعری» (زعیمی، ۱۳۳۳: ۵) و مقدمه کتاب چهار دیوان (کفاش خراسانی و دیگران، ۱۳۶۳: ۴۳-۵۰)، قابل ذکرند.
- اما نوشتارهای دسته دوم، شامل یک نوشتار از ابراهیم صفائی ملایری (۱۳۱۹: ۱۵۵-۱۵۷) و دو نوشتار از محمدامین ریاحی خوبی (۱۳۱۹: ۲۰۱-۲۰۵؛ ۱۳۲۰: ۱۱۴-۱۱۶) در مجله ارمغان است که آغازگر بحث پیرامون شعرهای غیر صحیح‌الانتساب دیوان منتسب به شاطر عباس صبحی بوده‌اند. از آن‌ها مهم‌تر، مقدمه سید محمد طاهری شهاب بر دیوان صبحی در سالنامه کشور ایران (ظاهری شهاب، ۱۳۴۲: ۲۸۵-۲۷۸) و نوشتارهای دنباله‌دار سید هادی حائری در مجله آشنا (حائری، ۱۳۷۵، ش ۲۸: ۴۲-۲۷؛ همان، ش ۲۹: ۵۰-۳۳؛ همان، ش ۳۰: ۲۱-۱۰؛ همان، ش ۳۱: ۷۳-۵۷) و مقدمه حسن گل محمدی بر دیوان کامل اشعار شاطر عباس صبحی قمی (صبحی قمی، ۱۳۹۱: ۱۹۲-۱۵) است که هم آگاهی‌های سودمندی پیرامون زندگی و شعر او در بر دارند و هم اطلاعات مفیدی پیرامون مآخذ شعرهای دیوان منتسب به وی.
- اما از نوشتارهای دسته سوم، یکی ذکر صبحی در کتاب *تحفه الفاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین* (قمی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱۵-۲۱۴ و ج ۳: ۳۶۵-۳۳۸) است و دوم ذکر این شاعر در کتاب *مکارم الآثار* (معلم حبیب‌آبادی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۱۵۴۷) و سوم ذکر او در خاتمه کتاب *تاریخ علماء و شعرای*

گیلان (شمس گیلانی، ۱۳۲۷: ۱۵۱-۱۵۲) و چهارم ذکر وی در کتاب سخنوران نامی معاصر ایران (برقعی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۲۴۷-۲۲۵۳).

همچنین از نوشتارهای دسته چهارم، الذریعه الی تصانیف الشیعه (الطهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۹-۲: ۵۹۶)، مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی (مشار، ۱۳۴۰، ج ۳: ۶۶۰-۶۵۹)، فرهنگ سخنوران (خیامپور، ۱۳۷۲، ج ۲: ۵۵۰) و اثرآفرینان (نصیری و دیگران، ۱۳۸۴، ج ۴: ۲۶) شایان یادآوری‌اند. سرانجام، از نوشتارهای دسته پنجم، به جز شماری اشارات کوتاه، مانند اشاره عبدالحسین زرین کوب در نقد کتاب از صبا تا نیما (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۳۰۲-۳۰۱)، تاکنون تنها یک نوشتار نسبتاً مفصل می‌شناسیم و آن، نوشتاری است در کتاب مکتب بازگشت (شمس لنگرودی، ۱۳۷۳: ۲۶۴-۲۵۷).

با این همه، هنوز مسئله صبحوحی حل نشده باقی مانده است و بیشتر این منابع به دلیل اتکا بر روایات شفاهی یا شعرهای غیرصحیح‌الانتساب نتوانسته‌اند اطمینان قطعی در باره او ایجاد کنند. از آن میان، نوشتارهای راهگشاتر، نوشتارهای دسته دومند که مآخذ پاره‌ای شعرهای دیوان منتسب به صبحوحی را نشان داده‌اند. بر این پایه، گام نخست پژوهش علمی پیرامون زندگی و شعر صبحوحی قاعدتاً باید واکاوی اسناد موجود برای اطمینان از واقعیت شاعری وی باشد و پژوهش حاضر، به این امر اختصاص دارد.

روش این پژوهش، اسنادی-کتابخانه‌ای با رویکرد تحلیلی و تاریخی خواهد بود. می‌کوشیم جهت پیشبرد بحث، دلایل عقلی را با دلایل نقلی بیامیزیم.

### یک سند موثق

این سند، تذکره‌ای است که در هنگام زندگی صبحوحی و در هنگامه جوانی او کمی از احوال و کمی از آثار وی را آورده است و پژوهندگان پیشین، به جز مؤلف تحفه القاطمین فی ذکر احوال قم و القمیین (قمی، ۱۳۹۱، ج ۲: ۲۱۵-۲۱۴ و ج ۳: ۳۶۵-۳۳۸) که بیشتر مطالب کتابش در این باره، رونویس چنین سندی است، آن را ندیده‌اند. این تذکره، تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم نام دارد و سال ۱۳۹۳ منتشر شده است. مؤلف تذکره، میرزا علی اکبر فیض قمی (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق)، در کتابش، شعرای

قم را از سال تولد خویش تا حدود ۱۲۸۹ق که سال اتمام نگارش تذکره است، معرفی می‌کند و ضمن آن به شاطر عباس صبحی می‌رسد. بهتر است کل مطالب فیض در اینجا بیاید:

«نامش عباس، ولیک اسمش بی‌مناسبت با مسماست، از آن روی که جوانی است با بشاشت منظر و طلاقت مخبر، نیکوخصال حمیده‌فعال سلیم‌النفس بردبار کریم‌الطبع درستکار، که انجمن را سرمایه الفت است، نه پیرایه کلفت. نظر به مضمون الکاسب حبيب الله، به کد یمین و عرق جبین از شغل شاطری دگه خبازی مکنت می‌اندوزد و ثروت به دست می‌آورد و به بسط ید و سعت صدر و لین عربکه به مصرف احباب می‌رساند، چنانچه بی‌مهمان شبی به روز نیاورده و به تنهایی غذایی نخورده. از وضع اهالی قم دل‌تنگ شده، چند سال است که روی به شهر ری که مرکز دایره دولت و مقر سلطنت است، بیاورده و با ادبای آن مرز و شعرای آن دیار، ایف حضرت و ندیم صحبت گشته، این قدر شده است که در جرگ شعرای آن سامان مشهور به لسان [شاید: طلاقت لسان] است و نظم‌ش، مقبول پیر و جوان» (فیض، ۱۳۸۳: ۳۸۳-۳۸۱). خصوصیات مانده «بشاشت منظر» و «طلاقت مخبر» و «نیکوخصال» و «حمیده‌فعال» و «سلیم‌النفس» و «بردبار» و «کریم‌الطبع» و «درستکار» و «بسط ید» و «سعت صدر» و «لین عربکه» که فیض در باره صبحی متذکر می‌شود، برای یک انسان، سرمایه شهرت و محبوبیت است و فیض همراه با ذکر این خصوصیات، شهرت و محبوبیت صبحی را نیز میان عام و خاص مورد تصریح قرار می‌دهد و در ادامه، شش غزل از او هم نقل می‌کند که ضمن کوشش‌های محققان قبلی، اشاره‌ای به انتسابی بودن آن‌ها وجود ندارد و بنابراین تاکنون جزو شعرهای صحیح‌الانتساب وی است. مطلع‌های این شش غزل را به ترتیب الفبایی می‌آوریم:

تا به قید غمش آورد خداداد، مرا	هرچه می‌خواستم از بخت، خدا داد مرا
نیست او را سر مویی سر دل‌داری ما	کار شد سخت مگر بخت کند یاری ما
غم در آمد ز درم چون ز برم یار برفت	عیش و نوش و طربم جمله به یکبار برفت
پیوسته من از شوق لب لعل تو مستم	زین ذوق که دارم خبرم نیست که هستم
تا بوسه‌ای از لعل دل‌ارام گرفتم	جانم به لبم آمد و آرام گرفتم
بر جان شرار عشقت خوش می‌کشد زبانه	باور نداشت بختم این دولت از زمانه

(همان)

به نظر می‌رسد با وجود تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم، شاعری صبوحی جای شبهه ندارد. پس اکنون هنگام آن است تا ببینیم شعرهای غیرصحيح‌التساب از چه راهی به دیوان این شاعر راه یافته‌اند.

### عوامل پدیدآمدن مسئله

طبق دیدگاه‌های پژوهندگان پیشین، سه عامل در انتساب غیرصحيح شعرهای شاعران نام‌آور و گمنام به صبوحی نقش احتمالی داشته‌اند و تعیین صحت و سقم و میزان این نقش، لازم است.

### ناشران

چنان که گذشت، جزوه‌های سه‌گانه چاپ سنگی دیوان صبوحی، نخستین بار در سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ش فراهم آمدند؛ بنابراین جا دارد مقدمات این جزوه‌ها را که حاوی نخستین داده‌ها در باره او و چگونگی گردآوری شعرهای وی است، مورد توجه قرار دهیم. نقل مقدمه ناپیراسته جزوه اول در اینجا بی‌فایده نیست:

شاطر عباس، متخلص به صبوحی، در سنه ۱۲۷۵ [۱۲۵۷] درست است (ر.ک: صبوحی قمی، ۱۳۹۱: ۷۴، پانوش) [متولد و در سنه ۱۳۱۵ متوفی؛ پسر کربلایی محمدعلی، نام جدش مشهدی مراد؛ مولدش قم و موطنش طهران؛ شغلش شاطر خبازی بوده؛ طبع شعرش موهبتی، در غزل‌سرایی قریحه‌اش بی‌نظیر و در شعر و ایجاد مضامین بکر با اسلوبی مخصوص به خودش، یگانه عصر؛ در حیات خویش اشعار آبدارش [صبوحی، ۱۳۰۷: ۲. اشعار کمش] نقل محافل و هنوز کمتر شاعری است که در سبک گفتار و اشعار بتواند با او برابری کند. با آنکه غزل‌هایش در السن و افواه و گرامافون [همان: ۳. گرامافون‌ها] جاری و جهانگیر است و اشتیاق عامه به داشتن دیوان شاطر عباس صبوحی به کمال می‌باشد؛ مع‌الاسف تاکنون اقدامی در جمع و نشر آن نشده، تا در نوبت این معارف‌پروران، حسن آقای گودرزی ستوده و آقا میرزا اسدالله شهبهانی، از کتابفروشان کلاسیک و علمی در بازار بین‌الحرمین، به قدر امکان از هر جا و هر کس هر چند تا از غزلیات و دوبیتی و رباعیات تمام و ناتمام شاطر را جمع، از جمله اندک مجموعه [ای] فراهم آورده؛ خواستیم بلکه در دفعه اول، جمع و طبع این مهم را نموده باشیم، ولی چون ممکن بود جمع‌آوری کامل به طول انجامد و به‌عهده‌داری [متن: + و] باکمال این خدمت و طبع و نشر آن چون اختصاص خواهد بود، این

بار به طبع این مقدار اقدام؛ و هم از قارئین آشنا و غیر آشنا توقع می‌نماییم آنها که وعده داده‌اند و دیگر کسانی که از اشعار مرحوم صبوحی نزد خود یا دیگری سراغ دارند، برای همراهی و کمک به حسن این خدمت ملی، به سرعت ابراز ایمان [متن: + و]، به آگاهانیدن این‌جانبان از ارسال و ایصال و اطلاع، هر مقدار که باشد، دریغ نداشته و به خشنودی [متن: خوشنودی] جامعه و علاقه‌مندان به دانش و ادب و مزایای ملی بذل توجه فرمایند (صبوحی، ۱۳۰۶: ۴-۲).

آن‌گونه که مقدمه بالا نشان می‌دهد، انتشار جزوه اول چاپ سنگی دیوان منتسب به صبوحی، حدود سی سال پس از وفات او صورت پذیرفته است، چون در مشخصات همان جزوه، سال انتشار آن، نهم آذرماه ۱۳۰۶ش [برابر با ۱۳۴۶ق] و در مقدمه آن، سال وفات وی، ۱۳۱۵ق [برابر با ۱۲۷۶ش] ثبت شده است. همین مقدمه صریحاً حکایت از گردآوری شعرهای این دیوان بر اساس روایات شفاهی نیز دارد. باین‌وصف، تا اینجا عامل اصلی پدید آمدن مسئله صبوحی، احتمالاً ناشران جسور نخستین چاپ دیوان منتسب به او بوده‌اند. این ناشران در مقدمه مذکور اقرار کرده‌اند چاپ آنان «دفعه اول» چاپ این دیوان است. از میان پژوهندگان پیشین، کیوان سمیعی (۱۳۲۴: ۴۸)، سید هادی حائری (۱۳۷۵، ش ۲۸: ۲۸) و حسن گل‌محمدی (۱۳۹۱: ۱۹ و ۴۹-۴۸ و ۹۳) هم بر نقش اصلی این عامل تأکید ورزیده‌اند.

این پرسش که آیا دلیل جسارت ناشران در این باره واقعاً سودجویی اقتصادی بوده است یا خدمت فرهنگی یا هر دو، با وجود اصرار آنان بر مورد دوم، پاسخ دقیقی ندارد، اما طرف دیگر قضیه امکان وجود شعرهای صحیح‌التساب صبوحی میان شعرهای گردآوری‌شده به وسیله آنان است که این جسارت را تا حدی توجیه می‌کند، چه، طبق برخی روایات شفاهی ([قدس]، ۱۳۰۴، ش ۳: ۲۴۷ و ۲۵۰: زعیمی، ۱۳۳۳: ۵؛ طاهری شهاب، ۱۳۴۲: ۲۸۰ و ۲۸۱-۲۸۲؛ کفاش خراسانی و دیگران، ۱۳۳۳: ۴۴-۴۵ و ۴۷؛ حائری، ۱۳۷۵، ش ۳۰: ۱۶-۱۵؛ همان: ش ۳۱: ۶۸ و ۶۹؛ صبوحی قمی، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۱۸)، دیوانی از صبوحی بازمانده است. نسخه‌های خطی دیوان منتسب به صبوحی، در حد اطلاع ما، نسخه ۱۳۱۰ش مورد استفاده احمد کرمی (صبوحی، ۱۳۶۲: ۶-۵)، نسخه ا.ع. مورد استفاده فؤاد صبوری (کفاش خراسانی و صبوحی، ۱۳۶۵: مشخصات) و نسخه دستنویس سعید نفیسی (افشار، ۱۳۵۱: ۳۲) است که گویا پس از چاپ سنگی این دیوان و با حذف و اضافه شعرهای آن پدید آمده‌اند. شاید قابل‌اعتناترین نسخه خطی شعرهای صبوحی، جنگ بدون تاریخ اشعار شعرای متقدم تا



سال ۱۳۲۱ق باشد که این شعرها را منقول از دفتر میرزا حسین سرخوش، در بر دارد (طاهری شهاب، ۱۳۴۲: ۲۸۵) و بالاین همه، همچنان مربوط به سال‌های زندگی این شاعر نیست.

ناگفته نماند گردآوردندگان دیوان منتسب به صبوحی، یک عامل این انتساب‌های غیرصحیح بوده‌اند، چنان که حدود پنجاه غزل چاپ سنگی دیوان او (صبوحی، ۱۳۱۴)، در چاپ احمد کرمی (همان، ۱۳۶۲) به هفتادودو غزل رسیده است. بی دلیل نیست که کیوان سمیعی (۱۳۲۴: ۴۸)، «بعضی از گویندگان و نویسندگان (نه به معنی شاعران)» را در کنار «صاحبان مطابع» جزو عاملان این نوع خلط آثار می‌داند و منظور وی همان گردآوردندگان است. بالاین حال، این کار عموماً از سوی آن دسته از گردآوردندگان دیوان‌های منتسب به صبوحی صورت گرفته است که هم‌زمان، ناشر بوده‌اند. خلاصه، تا اینجا کفه نقش ناشران در این باره همچنان سنگین تر می‌نماید؛ هرچند آن‌گونه که ذیل عنوان بعدی می‌آید، پدیدآوردگان جنگ‌ها و اصحاب مطبوعات نیز از این جهت، جای بحث دارند و این حکم راجع به میرزا حسین سرخوش یادشده هم صدق می‌کند.

#### دوستاناران

از همان مقدمه جزوه اول چاپ سنگی دیوان منتسب به صبوحی، نقش دوستاناران او در انتساب‌های غیرصحیح مطرح است، ولی از اواسط مقدمه جزوه سوم، مطالب باز ناپیراسته صریح‌تری در این باره بر مقدمه جزوه اول افزوده می‌شود که جا دارد آن‌ها را اینجا نقل کنیم:

مع‌الاسف تاکنون اقدامی در جمع و نشر آن نشده بود و به عقیده ما بزرگ‌ترین خدمت به جامعه و ملتی، احیای آثار فکریه و نشر ترشحات ادبی مردمان بزرگ و عناصر برجسته آن ملت می‌باشد، چه، این فکر، مربوط به حیات و این عشق، پیوسته به دوام و بقای آن جامعه است. از همین نقطه نظر بود که این معارف‌خواهان، امیرزا اسدالله شهبهانی و حسن آقا گودرزی، با زحمات زیاد و رنجی بی‌شمار آثار ادبیه یگانه شاعر شهیر قرن اخیر، شاطر عباس صبوحی، را جمع‌آوری و در تحت عنوان جزوه اول و دوم، آنچه را که دسترس بوده، طبع و نشر نمودیم. خوشبختانه تشویق و ترغیب طرفداران علم و ادب و حسن استقبالی که از طرف عموم طبقات، در قسمت خریداری آن به عمل آمده، اینجانبان را بر آن داشت که مجموعه دیگری تهیه و جزوه سوم آن را هم نیز [کذا] به طبع برسانیم و چون خواستیم از آقایانی که بذل لطف فرموده، هرقدر از ابیات و غزلیات آن مرحوم را

داشته و به کتابخانه ما فرستاده‌اند، قدرشناسی و سپاسگزاری [متن: سپاس‌گذاری] شده باشد، قرار دادیم اسامی ایشان را در ذیل اشعار یادآور شویم؛ و باز منتظریم آقایانی که از اشعار آن مرحوم، چیزی در خاطر یا نسخه [ای] در دست دارند، به کتابخانه فرستاده که هم ما را قرین امتنان و هم روح آن مرحوم را شاد و عامه را بهره‌مند سازند (صبحی، ۱۳۰۷: ۳-۵).

این افزوده نشان می‌دهد که پیش از ناشران دیوان منتسب به صبحی، دوستداران او نیز، شعرهای زیبایی را که می‌شناخته‌اند، به وی نسبت می‌داده‌اند و اقدام ناشران، باعث اظهار این انتساب‌ها بوده است. بر این پایه، گویا گروه اول، تحت تأثیر گروه دوم به این کار مبادرت ورزیده‌اند. دو سند موثق‌تر ما در این باره عبارتند از:

الف) جنگ خطی سیدالحکماء لاریجانی (۷۶ الف، ۱۸ ب و ۹۰ الف) با تاریخ کتابت ۱۳۳۱ ق و بعد، یعنی فاصله میان سال وفات صبحی (۱۳۱۵ ق/۱۲۷۶ ش) و سال انتشار جزوه اول چاپ سنگی دیوان منتسب به او (۱۳۴۶ ق/۱۳۰۶ ش) که ضمن آن، غزل:

اگر مراد تو ای دوست نامرادی ماست      مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست  
از سعدی (۱۳۶۲: ۴۲۶)

و غزل:

منم که گوشه میخانه خانقاه من است      دعای پیر مغان ورد صبحگاه من است  
از حافظ (۱۳۶۲: ۳۸)

و رباعی:

بگشود سپیده دم حجاب از طرفی      برداشت نگار من نقاب از طرفی  
گر نیست قیامت از چه گردید عیان      ماه از طرفی و آفتاب [کذا] از طرفی  
از غنی تفرشی یا وجهی اصفهانی (صبحی قمی، ۱۳۹۱: ۱۰۱)

و حتی رباعی:

بر چهره پریشانی آن زلف سیاه      ابری ست که گهگاه بپوشد رخ ماه  
گفتم که پریشان ز چه رویی؟ گفتا:      سلطان حبش کشیده بر روم سپاه

از حاج میرزا آقاسی، صدر اعظم محمدشاه قاجار (سعادت نوری، ۱۳۴۲: ۵۱۵-۵۱۶)، با ضبط متفاوت:

آمد پسری حوروشی همچون ماه      افشانده به رخ [سار] دو زلفان سیاه  
گفتم ز چه طره‌ات پریشان شده؟ گفت:      سلطان حبش کشیده بر روم سپاه

به وی انتساب یافته است.

ب) طبق اسناد موجود، نه ناشران، بلکه مطبوعات، پیشگام گردآوری اطلاعات پیرامون صبحی بوده‌اند و نخست، حسین قدس نخعی، مدیر مجله ندای قدس، طی سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۵ ش، با مطالب جستجوگر یخته، ضمن نه شماره که تمام شماره‌های منتشرشده آن مجله را تشکیل می‌دهد، همچنان از روی روایات شفاهی، احوال و اشعار وی را منتشر کرده است ([قدس]، ۱۳۰۴، ش ۱: ۷۸؛ همان، ش ۲: ۱۵۷؛ همان، ش ۳: ۲۴۷-۴۵۱؛ همان، ش ۵، ۴۴۴؛ همان، ش ۶: ۵۳۸؛ همان، ۱۳۰۵، ش ۷: ۶۲۰-۶۱۹؛ همان، ش ۸ و ۹: ۷۶۱-۷۶۰)؛ بنابراین، حتی انتشار نخستین اسناد چاپی در باره زندگی و شعر صبحی طی سال‌های ۱۳۰۴-۱۳۰۵ ش، پیش از انتشار جزوات نخستین چاپ دیوان منتسب به این شاعر طی سال‌های ۱۳۰۶-۱۳۰۷ ش، صورت پذیرفته است.

پس بی دلیل نیست که محمدامین ریاحی (ریاحی خوبی، ۱۳۱۹: ۲۰۵)، سید هادی حائری (۱۳۷۵، ش ۲۸: ۲۸) و حسن گل محمدی (صبحی قمی، ۱۳۹۱: ۱۹)، افزون بر ناشران دیوان‌های منتسب به صبحی، علاقه‌مندان شعرهای این شاعر را نیز در ایجاد این مسئله دخیل شمرده‌اند و تیمور گورگین هم این واقعیت را چنین می‌نگارد: «دوستداران و شیفتگان واقعی شاطر عباس، همان مردم کوچه و بازار هستند که درواقع راوی اشعار نغز و دلنشین وی به شمار می‌آیند» (۱۳۶۳: ۴۳).

جا دارد این موضوع را نیز مورد اشاره قرار دهیم که شاطر عباس صبحی به گواهی شغل او، یعنی شاطری نانواپی، از طبقه عوام برخاسته است و شخصیت اخلاقی برجسته این شاعر سبب شده است میان افراد این طبقه دوستداران بسیار پیدا کند و هنر شاعری وی بر مقدار این دوستداری افزوده است و حتی شعاع آن را تا طبقه خواص گسترده است. به نوشته مؤلف سخنوران نامی معاصر ایران: «شاطر عباس در دکانی که کار می‌کرد، گاهی برای مشتریان اشعاری می‌خواند و از ذوق شعر و شاعری خود، مشتریان را آگاه می‌ساخت. شعرهایش مورد پسند دوستداران شعر قرار گرفت و

به تدریج شعرش بر سر زبان‌ها افتاد و به محافل مختلف راه یافت و موجب شهرت و معروفیتش گردید» (برقعی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۲۲۴۷). به همین دلیل، شمس لنگرودی (۱۳۷۵: ۴) هم صبحوحی را پیرو مکتب بازگشت و جایگاه شعر این شاعر را در این مکتب، میان شعر خواص و شعر عوام می‌شمارد.

### شاعر

پیشتر گفتیم که صفایی ملایری و ریاحی پای شاعر را نیز در این باره به میان آورده‌اند و او را هم شریک احتمالی این کار انگاشته‌اند، اما چنان که گذشت، دیوان منتسب به صبحوحی سی سال پس از وفات او و بر اساس روایات شفاهی انتشار یافته است و بنابراین دخالت وی در این باره کمتر محتمل می‌نماید. ناشران این دیوان، ضمن کاربرد صفت «یگانه شاعر شهیر قرن اخیر» (صبحوحی، ۱۳۰۷: ۴) در باره صبحوحی، بر آنند که شعرهای این شاعر تا زمان گردآوری آن‌ها در «السن و افواه و گرامافون‌ها» جاری بوده است (همان: ۳). برای پایه، او، سی سال پس از وفاتش، همچنان شهرت و محبوبیت داشته است و کسب این اندازه شهرت و محبوبیت، با سرقات ادبی همخوان نیست. بجاست این نکته را بر نکات بالا بیفزاییم که طبق بعضی روایات، هرچند صبحوحی سواد خواندن و نوشتن داشته است، خط او ناخوانا بوده است (طاهری شهاب، ۱۳۴۲: ۲۸۰؛ حائری، ۱۳۷۵، ش ۳۰: ۱۵). باین وصف، وی نمی‌توانسته است خود بشخصه دیوان خوانایی برای خویش فراهم آورد و شعرهای بازمانده او احیاناً شعرهایی است که دوستان او در زمان زندگی‌اش بر صفحه ذهن یا ورق کاغذ نگاشته‌اند و بعدها به دلیل تعلق خاطر، همراه با شعرهای دیگر شاعران تحویل پدیدآورندگان جنگ‌ها و اصحاب مطبوعات و ناشران اولیه آن شعرها داده‌اند. این نکته از واقعه گم یا ربوده شدن دیوان این شاعر نیز که راویان روایت کرده‌اند ([قدس]، ۱۳۰۴: ۲۴۷ و ۲۵۰؛ زعیمی، ۱۳۳۳: ۵؛ طاهری شهاب، ۱۳۴۲: ۲۸۰ و ۲۸۱-۲۸۲؛ کفاش خراسانی و دیگران، ۱۳۶۳: ۴۵-۴۴ و ۴۷؛ حائری، ۱۳۷۵، ش ۳۰: ۱۶-۱۵؛ همان: ش ۳۱: ۶۸ و ۶۹؛ صبحوحی قمی، ۱۳۹۱: ۱۸ و ۸۴)، برمی‌آید. ضمناً گاه در دیوان منتسب به صبحوحی شعر شاعرانی وارد شده است که هنگام وفات او دوره کودکی را طی می‌کرده‌اند و از آن جمله است غزل شاطر [مصطفی انتظاری] قمی (۱۳۰۹-۱۳۵۶ق) با مطلع

من اگر رندم و قلاشم اگر درویشم هرچه‌ام عاشق رخسار تو کافرکیشم

(انتظاری، بی‌تا: ۵۴، پانویس)

دو نکته دیگر در این باره قابل ذکر است:

یکی این که یک غزل با مطلع:

تا بوسه از آن لعل دلارام گرفتم      جانم به لبم آمد و آرام گرفتم

از صبوحی، منقول در تذکره فیض (۱۳۹۳: ۳۸۳)، بیت:

بدنام مخوان زاهدم از عشق که تا من      در حلقه عشاق شدم نام گرفتم

را با بیتی از غزل آشوب قمی منقول در همان تذکره (۷۱)، مشترک دارد، ولی شعرهای این شاعر همشهری شاطر عباس که چیزی جز منقولات تذکره فیض از او بازمانده است، چندان برجسته نشان نمی‌دهند که بخواهند محل توجه صبوحی بوده باشند و از این رو، این مورد بیشتر امکان تضمین آشوب را از وی به رخ می‌کشد. دوم این که گاه شعرهای دیوان منتسب به صبوحی تنها بازسرای و کاسته و افزوده شعرهای دیگر شاعران است. ذیلاً یک نمونه در این باره می‌آوریم که حتی قابل قیاس با کارهای دوره جوانی او، منقول در تذکره فیض نیست و همین نکته باعث می‌شود تا احتمال بدهیم که این دست انتساب‌ها همچنان به دوستان و یارانی باز می‌گردند. اصل نمونه مورد نظر، از محتشم کاشانی است که آن را نقل می‌کنیم:

<p>دلم هم می‌تپد الله امشب یار می‌آید به گوشم می‌زند کآن آتشین رخسار می‌آید تصور می‌کنم کآن سرو خوشرفتار می‌آید ز عطریستان آن گیسوی عنبربار می‌آید اگر می‌آید امشب جزم با اغیار می‌آید ولی هرگز نبود این اضطراب این بار می‌آید که از بی‌دست‌و‌پایی اینقدرها کار می‌آید سر مجنون نباشد بر سرش ناچار می‌آید بحمدالله که گر دل می‌رود دلدار می‌آید (محتشم کاشانی، ۱۳۷۰: ۳۸۶)</p>	<p>به گوشم مژده وصل از در و دیوار می‌آید سپند آتش شوقم که هر دم هاتقی دیگر به سوی او ز شوق افتان و خیزان می‌روم هر دم عبیرافشان نسیمی کاینچنین مبهوتم از بویش چو دایم از دو جانب می‌کند تیز آتش غیرت مدام از انتظار وعده او مضطرب بودم بفهمانم به دشمن چون برم پایش از بزمت چو نبود عشق عاشق سرسری هر چند لیلی را چه نقصان محتشم گر دل رود بر باد ازین شادی</p>
---	---

اما بازسرایي همین غزل در دیوان منتسب به صبحوحی با پنج بیت کاسته و یک بیت افزوده چنین آمده است و بخش‌های داخل [] آن با غزل بالا کاملاً یا نسبتاً مشترکند:

[به گوشم مژده] ای آمد که [امشب یار می‌آید]	به بالین سرم [آن سرو خوشرفتار می‌آید]
کبوتروار دل پر می‌زند در مجمر حسنش	چنان تسکین دهم کـ [آن آتشین رخسار می‌آید]
همی در انتظارم کی شود یارم ز در داخل	به مهمانی بـرم با حشمت بسیار می‌آید
فضای این جهان از عطر و گل پر گشته و گویا	نگار من همی با [زلف عنبربار می‌آید]
[مشو غمگین صبحوحی گر دلت رفته‌ست از دستت	چرا؟ گر می‌رود دل از کفت دلدار می‌آید]

(صبحوحی، ۱۳۶۲: ۸۴-۸۵)

در دیوان صبحوحی، چاپ طاهری شهاب (۱۳۴۲: ۲۹۲) بر اساس جنگ خطی اشعار شعرای متقدم تا سال ۱۳۲۱ق، تنها سه بیت اول این غزل با تغییر «چنان» به «چسان» وجود دارد که مداخله مبتدیان را برای تکمیل آن واضح‌تر نشان می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

وجود شعرهای فراوان از شاعران دیگر در دیوان منتسب به شاطر عباس صبحوحی سبب شده است تا گاه برخی پژوهندگان واقعیت شاعری او را انکار و حتی وجود خارجی وی را نفی کنند. با این حال:

۱. بعضی اسناد موثق، مانند تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم از علی‌اکبر فیض (۱۲۴۵-۱۳۱۲ق) که در زمان زندگی صبحوحی به نگارش درآمده است، نه تنها واقعیت شاعری او، بلکه دلایل شهرت و محبوبیت وی را همراه با شش نمونه صحیح‌الانتساب از شعرهایش نشان داده‌اند.
۲. همچنین دیوان منتسب به صبحوحی سی سال پس از وفات او بر اساس روایات شفاهی انتشار یافته است و این واقعیت ما را وامی‌دارد تا بپذیریم که عامل این انتساب‌های غیر صحیح، ناشران اولیه این دیوان در هم‌نوایی با دوستداران وی بوده‌اند.
۳. با آنچه گذشت، بررسی زندگی و شعر صبحوحی در گرو تعیین تکلیف کامل شعرهای دیوان منتسب به اوست. بر این پایه، ادامه دادن انتساب‌شناسی دقیق یکایک شعرهای این دیوان

ضرورت دارد و آنگاه این امکان فراهم خواهد آمد تا زندگی و شعر وی را از جهات مختلف، مورد مطالعه قرار دهیم.

#### کتابنامه

- افشار، ایرج. (۱۳۵۱). «کتابخانه سعید نفیسی و نسخه‌های خط او». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. سال نوزدهم. شماره ۱ و ۲. پیاپی ۷۸. آبان. ۲۵-۳۸.
- انتظاری، مصطفی قمی. (بی‌تا). *غزلیات شاطر مصطفی قمی (انتظاری)*. به کوشش و اهتمام سید محمد باقر برقی. چاپ دوم. قم: نوین.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۲). *دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی قدس سره العزیز*. به اهتمام محمد قزوینی و دکتر قاسم غنی. چاپ چهارم. تهران: کتابفروشی زوار.
- حائری، سید هادی. (۱۳۷۵). «شاطر عباس، یکی از عوام‌الناس و شاعری بااحساس؛ بخش اول». *آشنا*. سال پنجم. شماره ۲۸. فروردین و اردیبهشت. ۲۷-۴۲.
- حائری، سید هادی. (۱۳۷۵). «شاطر عباس، یکی از عوام‌الناس و شاعری بااحساس؛ بخش دوم». *آشنا*. سال پنجم. شماره ۲۹. خرداد و تیر. ۳۳-۵۰.
- حائری، سید هادی. (۱۳۷۵). «شاطر عباس، یکی از عوام‌الناس و شاعری بااحساس؛ بخش سوم». *آشنا*. سال پنجم. شماره ۳۰. مرداد و شهریور. ۱۰-۲۱.
- حائری، سید هادی. (۱۳۷۵). «شاطر عباس، یکی از عوام‌الناس و شاعری بااحساس؛ بخش چهارم». *آشنا*. سال پنجم. شماره ۳۱. مهر و آبان. ۵۷-۷۳.
- خیامپور، ع. (۱۳۷۲). *فرهنگ سخنوران*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: طلایه.
- ریاحی خوبی، محمدامین. (۱۳۱۹). «شاطرعباس صبوحي». *ارمغان*. سال بیست و یکم. شماره ۴. تیر. ۱۵۷-۱۵۵.
- ریاحی خوبی، محمدامین. (۱۳۲۰). «شاطرعباس صبوحي». *ارمغان*. سال بیست و دوم. شماره ۲-۳. اردیبهشت و خرداد. ۱۱۴-۱۱۶.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۸). *نه شرقی نه غربی انسانی؛ مجموعه مقالات، تحقیقات، نقدها و نمایش‌واره‌ها*. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- زعیمی، فرامرز. (۱۳۳۳). «شاطری و شاعری؛ شاعری که از میان کلاه‌نمدی‌های جنوب شهر برخاست». *پست تهران*. شماره ۴۷۷. اول بهمن. ۵.

- سعادت نوری، اسماعیل. (۱۳۴۲). «حاج میرزا آقاسی-۶». یغما. سال شانزدهم. شماره ۷. پیاپی ۱۸۷. بهمن. ۵۱۶-۵۰۹.
- سعیدی، مصلح بن عبدالله. (۱۳۶۲). کلیات سعیدی. به اهتمام محمدعلی فروغی. چاپ سوم. تهران: امیرکبیر.
- سعیدی سیرجانی، علی اکبر. (۱۳۶۷). «قاری مفلس اصفهانی». نشر دانش. سال نهم. شماره ۲. پیاپی ۵۰. بهمن و اسفند. ۹۶-۹۳.
- سمیعی، کیوان. (۱۳۲۴). «تسامحات ادبی؛ علل خلط اشعار، سبک شاعری شیخ بهائی، دوازده نفر خیالی تخلص، خیالی بخارایی، غزل خیالی بخارایی». یادگار. سال دوم. شماره ۲. پیاپی ۱۲. مهر. ۵۶-۴۴.
- سیدالحکماء لاریجانی، یحیی بن علی محمد. (۱۳۳۵-۱۳۳۸ق). جنگ سیدالحکماء لاریجانی. نسخه خطی. قم: کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره). شماره ۱۳۸۰۵.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). با چراغ و آینه؛ در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران. چاپ سوم. تهران: سخن.
- شمس گیلانی، حسن. (۱۳۲۷). تاریخ علماء و شعرای گیلان؛ مختصری از شرح حال رجال گیلان. چاپ اول. بی‌جا: کتابفروشی و چاپخانه دانش.
- صفائی ملایری، ابراهیم. (۱۳۱۹). «شاطر عباس صبوچی». ارمغان. سال بیست و یکم. شماره ۲-۳. اردیبهشت و خرداد. ۲۰۱-۲۰۵.
- صبوچی، عباس. (۱۳۰۶). جزوه اول از غزلیات مرحوم شاطر عباس صبوچی رحمه الله علیه. چاپ اول [سنگی]. طهران: کتابخانه حسن آقای گودرزی ستوده و کتابخانه میرزا اسدالله شهشهرانی.
- صبوچی، عباس. (۱۳۰۷). جزوه سوم از غزلیات مرحوم شاطر عباس صبوچی رحمه الله علیه. چاپ اول [سنگی]. طهران: کتابخانه حسن آقای گودرزی ستوده و کتابخانه میرزا اسدالله شهشهرانی.
- صبوچی، عباس. (۱۳۱۴). غزلیات مرحوم شاطر عباس صبوچی رحمه الله علیه. چاپ چهارم [سنگی]. طهران: کتابخانه حسن آقای گودرزی ستوده و کتابخانه میرزا اسدالله شهشهرانی.
- صبوچی، عباس. (۱۳۱۷). غزلیات شاطر عباس صبوچی رحمه الله علیه. با تجدید نظر آقای عبرت. چاپ پنجم. طهران: حسن آقا گودرزی ستوده و میرزا اسدالله شهشهرانی.
- صبوچی، عباس. (بی‌تا). دیوان و غزلیات شاطر عباس صبوچی. تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی.



- صبوحي، عباس. (بی‌تا). *دیوان غزلیات شاطر عباس ملقب به صبوحي*. چاپ اول. مشهد: کتابفروشی رحمانیان [تا چاپ سوم پیش رفته است].
- صبوحي، عباس. (۱۳۶۲). *دیوان شاطر عباس صبوحي*. به کوشش احمد کرمی. چاپ اول. تهران: نشریات ما [چاپ‌های بعدی: منوچهری، ۱۳۷۰؛ پیشاهنگ سخن، ۱۳۸۴].
- صبوحي، عباس. (بی‌تا). *جنگ اشعار شاطر عباس صبوحي و سرگذشت آذری و...، نسخه خطی*، تهران: کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، شماره ۱۱-د.
- صبوحي قمی، عباس. (۱۳۶۲). *دیوان شاطر عباس صبوحي قمی*. به کوشش حسن گل‌محمدی. چاپ اول. تهران: پاسارگاد.
- صبوحي قمی، عباس. (۱۳۶۸). *تحقیق در باره زندگانی، احوال، اعمال، افکار، آثار و دیوان کامل اشعار شاطر عباس صبوحي قمی*. به تحقیق و اهتمام حسن گل‌محمدی (فریاد). تهران: نسل دانش.
- صبوحي قمی، عباس. (۱۳۹۱). *دیوان کامل اشعار شاطر عباس صبوحي قمی*. به تحقیق و اهتمام حسن گل‌محمدی (فریاد). چاپ اول. تهران: علم.
- طاهری شهاب، سید محمد. (۱۳۴۲). «دیوان شاطر عباس صبوحي قمی با شرح حال و آثار شاعر». سالنامه کشور ایران. مؤلف و مسئول: محمدرضا میرزایمانی. سال هیجدهم. ۲۷۸-۳۰۵.
- الطهرانی، آقابزرگ. (۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳م). *الذریعه الی تصانیف الشیعه*. الطبعه الثالثه. بیروت: دارالاضواء.
- فایز دشتستانی و صبوحي، عباس. (۱۳۸۰). *دوبیتی‌های فایز دشتستانی همراه با غزلیات شاطر عباس صبوحي*. تهیه و تنظیم: مسعود منتظری. مقدمه: محمد صمصامی. چاپ اول. تهران: نقش جهان.
- فیض، علی‌اکبر. (۱۳۹۳). *تذکره شعرای معاصرین دارالایمان قم: مقدمه و تصحیح: دکتر علیرضا فولادی. تعلیقات و فهرس: رقیه فراهانی*. چاپ اول. قم: نور مطاف.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۴). «غزلیات شاطر عباس». ندای قدس. شماره ۱. مهر. ۷۸.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۴). «از غزلیات شاطر عباس (صبوحي)». ندای قدس. شماره ۲. آبان. ۱۵۷.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۴). «شاطر عباس». ندای قدس. شماره ۳. آذر. ۲۴۷-۲۵۱.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۴). «از غزلیات شاطر عباس». ندای قدس. شماره ۵. بهمن. ۷۸.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۴). «از غزلیات شاطر عباس». ندای قدس. شماره ۶. اسفند. ۵۳۸.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۵). «از اشعار شاطر عباس (صبوحي)». ندای قدس. شماره ۷. مهر. ۶۱۹-۶۲۰.
- [قدس، حسین]. (۱۳۰۵). «غزلیات شاطر عباس [و] از رباعیات صبوحي». ندای قدس. شماره ۸ و ۹. آذر. ۷۶۰-۷۶۱.

- قمی، حسین بن محمدحسن. (۱۳۹۱). *تحفه الفاطمیین فی ذکر احوال قم و القمیین*. تحقیق: محمدحسین درایتی. با اشراف: سید محمود مرعشی نجفی. چاپ اول. قم: نور مطاف.
- کفاش خراسانی و دیگران. (۱۳۶۳). *چهار دیوان؛ کفاش خراسانی، شاطر عباس صبوچی، زرگر اصفهانی، فایز دشتستانی*. نوشته و تحقیق تیمور گورگین. چاپ اول. تهران: کتاب فرزاد.
- کفاش خراسانی و صبوچی، عباس. (۱۳۶۵). *دیوان اشعار کفاش خراسانی و شاطر عباس صبوچی*. گردآورنده: فؤاد صبوری. چاپ اول. تهران: پیری [چاپ دوم: ۱۳۶۷؛ چاپ سوم: ۱۳۶۸؛ چاپ چهارم: ۱۳۷۰؛ چاپ پنجم: ۱۳۷۳؛ چاپ ششم: ۱۳۸۷].
- محتشم کاشانی. (۱۳۷۰). *دیوان مولانا محتشم کاشانی*. به کوشش مهرعلی گرگانی. زندگی نامه از: دکتر سید حسن سادات ناصری. چاپ سوم (اول ناشر). تهران: کتابخانه سنائی.
- مشار، خانابا. (۱۳۴۰). *مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی از آغاز چاپ تاکنون*. بی جا. بی نا.
- معلم حبیب آبادی، محمدعلی. (۱۳۶۴). *مکارم الآثار*. جلد پنجم. چاپ اول. اصفهان. نفائس مخطوطات اصفهان.
- نصیری، محمدرضا و دیگران. (۱۳۸۴). *اثرآفرینان؛ زندگینامه نام‌آوران ایران از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی*. چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران.